

گذری بر رویدادهایی که از رضا قزاق، رضاشاه ساخت این بار هم پای روس و انگلیس در میان بود



تصویر احمد شاه قاجار که قزاق خان را همراه خود به انگلستان

کمال سیستمانی به روایت تقویم ها امروز ۱۴ اردیبهشت روزی است که رضاقلدر در سال ۱۳۰۵ به طور رسمی در کاخ گلستان تاج شاهی بر سر گذاشت و خود را نخستین پهلوی نامید. سطرهای بعدی گذری است بر اوضاع ایران در سال های آخر سلطنت قاجار تا پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی.

● پایان قاجاریه و بر تخت نشستن رضاشاه

احمد میرزای قاجار، هفتمین پسر محمدعلی شاه، در اروپا به سر می برد و هنوز پسوند شاهی از کنار نامش نیفتاده بود که خبر آوردند، یک قزاق شاه ایران شده است. کاری که با حمایت مجلس پنجم شورای ملی در آبان ۱۳۰۴ اتفاق افتاد. در این روز احمدشاه از سلطنت خلع و اداره مملکت به رضاخان سپرده شد. پس از آن نیز در آرمراه همان سال رضاخان، مجلس مؤسسان را تشکیل داد و در آن جایگزینی خاندان پهلوی به جای قاجاریه را اعلام کرد. او در ادامه در ۱۲۴ آذرماه سال ۱۳۰۴ در مجلس مؤسسان حاضر شده. با سگوند به قرآن پادشاه نام گرفت. اما در ۱۴ اردیبهشت به طور رسمی اختیارات پادشاهی را به وی واگذار کردند. اما چگونه این اتفاق رخ داد؟

● رضاشاه؛ چطور و چگونه؟

برای پاسخ به این سؤال باید گفت، اواخر حکومت قاجار بایبی نظامی و هرج ومرج در کشور همراه بود و این مسئله به رضاخان میرپنج این فرصت را داد تا با همراهی انگلستان و برخی نیروهای داخلی، تهران را تصرف کرده و به تدریج تمامی قدرت سیاسی در ایران را به قبضه خود درآورد. در ادامه نیز حمایت انگلستان، اقدامات وی برای بازگرداندن نظم و امنیت به جامعه تشنه امنیت وثبات آن زمان ایران و سرکوب مخالفان که عموما در مجلس چهارم شورای ملی بودند، سبب شد تا رضا قلدر بتواند به هدف خود نائل شده، سلطنت قاجار را از میان برداشته و ایران را وارود دوران سلطنت خاندان پهلوی کند.

ناگفته نماند که در کنار همه این ها، استفاده از تبلیغات در آن دوران هم بی تأثیر نبود و توانست رأی و آرای همگان را به سمت این قزاق بکشاند که چاپ مقاله های فراوان در نکوهش قاجار و مدح رضاخان در روزنامه ها از آن جمله است. همچنین بله چشم قربان گویانی نظیر داور، تیمورتاش و تدین که پیوسته در گوش نمایندگان بی طرف مجلس لالایی تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی را می خواندند نیز بالاخره توانست کارساز شود و اندک دلسوزان ایران در مجلس را هم خواب کنند و این گونه همه چیز به نفع رضاخان تمام شد.

البته بودند افرادی نظیر شهید مدرس، ملک الشعرا ی بهار، دکتر محمد مصدق که مخالفت خود را با این تصمیم اعلام کردند، اما راه به جایی نبردند. برای نمونه دکتر مصدق در یکی از سخنرانی هایش می گوید: «رضاخان پهلوی نخست وزیر و فرمانده کل فوق العاده ای است، اما دادن هر گونه مقام اضافی، اورا به فردی خطرناک برای قانون اساسی عزیرمان تبدیل می کند».

دکتر یوسف متولی حقیقی در مقاله ای در این باب می نویسد: «در فاصله سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲ خورشیدی و بعد از سقوط کابینه سیاه و در دوران مجلس چهارم مشروطه اگر چه شخصیت های بانفوذی چون قوام السلطنه، مشیرالدوله و مستوفی الممالک در چند کابینه مختلف به نخست وزیری ایران رسیدند. اما در واقع همه کاره و تصمیم گیرنده کشور، رضاخان سردار سپه و وزیر جنگ بود. قدرت گیری رضاخان با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ آغاز شده بود. این کودتا رضاخان را که قزاقی گمنام بود به جایی رساند که مناصبی همچون وزارت جنگ، نخست وزیری و بالاخره پادشاهی ایران را برای او به ارمان آورد.

ناگفته نماند رضاخان در پیمودن این مسیر ترقی علاوه بر استفاده از زمینه های داخلی، از حمایت های دو دولت انگلستان و شوروی نیز بهره مند بود. انگلیسی ها که یکی از عوامل اصلی شکل گیری کودتای سوم اسفند بودند، بعد از بی بردن به توانایی های نظامی او، بر آن شدند تا از توانایی هایش برای رسیدن به منافع خود در منطقه بهره برداری کنند. هر چند که برخی از اقدامات رضاخان هم سو با سیاست های انگلستان نبود، اما سرپرسی لورین، وزیر مختار این کشور در تهران، ایجاد حکومت مرکزی و نیرومندی توسط رضاخان را حافظ منافع بریتانیا در ایران می دانست. حکومت نو بنیاد شوروی نیز که بعد از عبور از چالش های بزرگ داخلی و خارجی به دنبال تثبیت موقعیت خود در سیاست جهانی بود، مدتی بعد از کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی، روتشتاین اولین وزیر مختار خود را به تهران فرستاد و بعد از آن کنسولگری هایش را در چندین شهر بزرگ ایران دایر کرد. به دنبال این اقدام، یکی از دوران پر رونق فعالیت های کمونیستی در ایران به وجود آمد. شوروی ها با توجه به برخی از اقدامات به ظاهر ضد انگلیسی رضاخان، از قبیل سرکوبی شیخ خزعل، مهره سرسپرده انگلیسی ها در جنوب ایران، مصمم به حمایت از او در دستیابی به اقتدار کامل در ایران شدند. رهبران شوروی که در تحلیلی نه چندان درست رضاخان را نماینده قشر بورژوازی ملی ایران و براندازنده نظام فتودالیته کهن ایرانی تصور می کردند از تمامی هواداران خود در ایران و از آن میان حزب نو بنیاد سوسیالیست ایران را به رهبری سلیمان میرزا اسکندری خواستند که رضاخان را در دستیابی به این اقتدار یاری رسانند.» و این گونه بود که یک قزاق ردا ی شاهی بر شانه انداخت و تاج بر سر نهاد تا ایران یک بار دیگر عرصه جولان دست نشانده های استعمارگر باشد.



مراسم تاجگذاری پهلوی اول در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۵

شهریار

SHAHRAJANEWS.IR
۲شنبه
۲۴ دیهشت ۱۴۰۲
۲۳شوال ۱۴۴۴
شماره ۳۷۳۳



تاریخ و هویت



کوچه جوادیه در قدیم



موقعیت کوچه جوادیه که در قدیم با عنوان ،جنت، شناخته می شده در کنار حیطه سبزی بر روی نقشه سال ۱۳۳۳ مشهد

در هر طرف این کوچه سه فرعی قرار دارد که فرعی های شمالی به کوچه حاج تقی و از طریق آن به بولوار وحدت متصل می شوند.

اما داستان فرعی های جنوبی طور دیگری رقم خورده است، نخستین فرعی جنوبی که جوادیه ۱۱ (کوچه شهید مسرور) نام دارد به طور مستقیم به شارستان شهید شوشتری می رسد، البته این کوچه در دورانی که شارستان ایجاد نشده بود، از طریق کوچه حمام حاج نوروز به چهارسوق نوغان ختم می شده است. دو فرعی دیگر جنوبی کوچه جوادیه هم از طریق کوچه های عطایی و تشکری به بولوار امیرالمؤمنین^(ع) ربط پیدا می کنند.

● مختصات کوچه جوادیه

کوچه جوادیه همان گونه که پیش تر اشاره شد، از خیابان طبرسی منشعب می شود و به همین دلیل در تابلوی آغازین آن علاوه بر نام جوادیه عنوان طبرسی ۲۵ هم از سوی شهرداری ثبت شده است. انتهای آن نیز به کوچه دروازه دلاب قدیم (راد کنونی) یا همان وحدت ۱/۳ منشعب از بولوار وحدت) ختم می شود. در این بین البته صرف نظر از چند فرعی کوچک بن بست که میزبان دو تاسه پلاک مسکونی هستند

و وضعیت این منطقه در سال های پس از احداث خیابان طبرسی تاحد بسیاری با ۶۰ سال قبل یعنی دوران ترسیم نقشه دالمج فرق می کند. در واقع یکی از ثمرات ایجاد خیابان طبرسی (به عنوان بخشی از طرح نوسازی و بهسازی هسته مرکزی شهر مشهد) در دوران نایب التولیه ای محمدولی اسدی، تبدیل بخش بزرگی از باغات محدوده شمالی مشهد به فضای مسکونی و دیگر کاربری ها مانند استفاده برای ایجاد کوچه های فرعی گوناگون و فضاهای کشاورزی شهری موسوم به ،حیطه، بوده است که شکل گیری کوچه ،جنت، در امتداد کوچه چهل خانه(منشعب از راسته کوچه نوغان در ضلع شرقی خیابان جدیدالحداث طبرسی) و همچنین حیطه موسوم به ،سبزی، در امتداد آن، از جمله این فضا های تغییر کاربری داده شده در ابتدای قرن گذشته هستند. درباره خیابان جنت هم باید گفت که این کوچه که همنام خیابان جنت امروزی یا همان محدوده خیابان پهلوی بوده، ولی برخلاف همزاد غربی خود، بویی از حال و هوای زندگی اروپایی و ممدوز وقت نبرده و بیش از هر چیز طفل جدا شده از مادر(کوچه چهل خانه) است که توسط خیابانی دراز و بی قواره به نام طبرسی پرت افتاده است.

● کوچه ای که مرحوم عابدزاده ساخت این وضعیت تا احداث مدرسه جوادیه توسط حاج علی اصغر چراغچی باشی یا همان مرحوم عابدزاده معروف در مجاورت حیطه سبزی در اواخر دهه ۳۰ خورشیدی ادامه داشته، اما پس از این است که ورق برمی گردد و کوچه جنت که پس از آن، ابتدا در نزد مردم و سپس در نامه نگاری های اداری به جوادیه تغییر نام داده، کم کم بزرگ و بزرگ تر می شود به طوری که

این بنا افراد مطرحی دانش آموزی کرده اند

که سید ابراهیم رئیسی رئیس جمهور کنونی کشور، سید مرتضی بختیاری رئیس کنونی کمیته امداد امام خمینی^(ع)، عباس چمنیان سرمربی اسبق تیم ملی فوتبال نوجوانان و محمدجواد پناهی قاری بین المللی قرآن از آن جمله بوده اند. امروزه از این بنای قدیمی تنها در چوبی و سردر قوسی گرفتار در زیر تابلوهای متعدد باقی مانده، اما کاربری اش همان کاربری تعیین شده از طرف مؤسس است.

● دو حسینیه خاص



از بنای مدرسه جوادیه که بگذریم، باید از دو حسینیه خاص موجود در این کوچه به عنوان بناهای مهم آن یاد کنیم. یکی از این دو حسینیه، متعلق به گروهی از سادات رضوی غیر ایرانی و دیگری از آن ساکنان یکی از شهرهای خراسان است. حسینیه نخستین که از لحاظ مکانی هم فاصله بسیار کمی با بنای جوادیه دارد، درست در ابتدای کوچه مقابل این بنا (جوادیه ۳) قرار گرفته است. این بنا که سازه ای امروزی است بنا بر آنچه در کتیبه سردر آن قید شده سال ۱۴۰۰ خورشیدی از سوی «سیدجعفر حسین رضوی، فرزند سید گوهر حسین رضوی از سادات رضوی ساکن هند ساخته شده است و متولی آن هم به دلیل فوت مؤسس، فرزندان وی هستند.

نکته جالب توجه اینکه حسینیه هندی ها درست در مقابل تنها مسجد موجود در این

گشتی در گذشته و امروز کوچه ای که

نام و اعتبارش را و ام دار حاجی عابدزاده است

مدرسه ای که «جنت» را «جوادیه» کرد

رضا سلیمان نوری

بخش اول کوچه جوادیه واقع در خیابان طبرسی در زمان اجرای نخستین طرح بهسازی در مشهد (که به دست محمدولی اسدی در ابتدای قرن چهاردهم خورشیدی رقم خورده) متولد شده و بخش دوم آن حدود سه دهه بعد یعنی پس از ساخت مدرسه جوادیه (دهه ۳۰ خورشیدی) شکل گرفته است، اما اینکه پیش از این، در اراضی این محدوده چه می گذشته و روزگار با آن چه کرده را باید بر اساس نقشه کلنل دالمج (ترسیم شده در آخرین روز سال ۱۲۴۸ خورشیدی) روایت کرد که کامل ترین نقشه شهر مشهد بازمانده از دوران حکومت قاجار هاست. مسیرها و خطوط نقش خورده بر روی نقشه دالمج می گویند محدوده کوچه جوادیه کنونی در دوره قاجار بخشی از باغات موسوم به محدوده ،میدان کهنه، بوده که بعد ها به جنت تغییر نام می دهد. باغاتی که اکنون هیچ ردی از آن ها در شهر مشهد باقی نمانده است و تنها شاید بتوان ادعا کرد خانه باغ موجود در انتهای کوچه جوادیه و اسپین باقی مانده از آن محوطه بزرگ است که هنوز در ذهن مردم قدیم ساکن این کوچه و کوچه های اطراف محدوده میدان کهنه و کوچه میدان کهنه زنده است. این کوچه تنها بخش کوچکی از محدوده باغات میدان کهنه است، زیرا در صورت تطابق نقشه دالمج با شرایط کنونی شهر به راحتی در می یابیم آنچه اکنون حدفاصل راسته کوچه نوغان تا بولوار امیرالمؤمنین^(ع) است در گذشته به عنوان باغات میدان کهنه شناخته می شده اند. سطرهای بعدی گذری است بر تاریخ این کوچه که حاجی عابدزاده در شکل گیری امروزینش نقش داشته است.

مهم ترین بناهای کوچه جوادیه

● مدرسه جوادیه



با توجه به آنچه در بالا ذکر شد، بی شک مهم ترین بنای موجود در آن مدرسه جوادیه است. ساخت جوادیه را حاجی عابدزاده پس از احداث دو بنای مهدیه در کوچه پشت مقبره نادری بالا خیابان و عسگریه در کوچه عسگریه پایین خیابان آغاز کرد و این یعنی جوادیه سومین بنای اوست که در محدوده سومین خیابان منتهی به حرم مطهر سقف و ستون خورده است.

زمین این بنا سال ۱۳۳۱ خورشیدی و با کمک های مردمی خریداری شده است. به قیمت ۱۷ هزار تومان که بعد از حدود دو سال تلاش افتتاح می شود. این مدرسه در آن دوران ۱۱۰۰ متر مساحت داشته و اطراف حیاط میانی آن را کلاس های درس و یک نمازخانه پر می کرده است. جوادیه از آن دوران تا سال ۱۳۵۷ که توسط ساواک برای مدتی تعطیل می شود، به صورت پیوسته دایر بوده است. ماجرای این تعطیلی هم از این قرار است که: تا قبل از تکمیل بنای مدرسه، جلسات مذهبی، عزاداری و روضه خوانی توسط اهالی محل در بنای نیمه ساز برپا می شده و پس از تکمیل بنا هم به رغم برگزاری کلاس های درس دانش آموزان در آن، این برنامه های آیینی متوقف نمی شود. همین امر هم عاملی می شود تا ابتدا اهالی، کلاس های قرآن برای بچه های محله در این مدرسه برگزار و سپس طلاب علوم دینی هم از این مکان (البته در ساعت های تعطیلی) به عنوان محلی برای مرور دروس خود و برخی جلسات استفاده کنند. موضوعی که اسباب تعطیلی آن را در روزهای انقلاب کلید می زند.

جوادیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ابتدا در اختیار نهضت سوادآموزی قرار می گیرد، اما چندی بعد به آموزش و پرورش واگذار و تا بلودبستان پسران جوادیه بر سردر آن نصب می شود و دوباره فعالیت خود را از سر می گیرد، اما حدود ۹ سال پیش (۱۳۹۳ خورشیدی) به دلیل آنچه نایبم بودن ساختمان بیان شده، دوباره برای مدتی بسته می شود تا پس از تعمیرات اساسی از سال ۱۳۹۹ با تابلوی جدید و پیش دبستانی و دبستان غیرانتفاعی فاتح خیر، میزبان دختران باشد. در تاریخ